

مبانی مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)؛

با تأکید بر قرآن کریم و سیره معصومین (ع)

دکتر زاهد غفاری هاشجین، * قدسی عزیزاده سیلاب**

تاریخ پذیرش ۹۱/۹/۱۴

تاریخ دریافت ۹۱/۵/۷

مقاله حاضر به بررسی مستندات قرآنی و روایی مشورت و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) می‌پردازد. در شریعت مقدس اسلام، اهتمام بسیاری به امر مشورت شده است و افزون‌بر آیاتی از قرآن کریم که به‌طور مستقیم به این امر تأکید دارد، در سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص) و همچنین امام علی (ع) نیز مشورت از اهمیت خاصی برخوردار است و موارد متعددی از کاربرد «امر مشورت» در حکومت مشاهده می‌شود. این مقاله براساس روش تحقیق مطالعات اسنادی و استفاده از منابع مرتبط با موضوع انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و سیره عملی ایشان از جایگاه خاصی برخوردار بوده است. در پاسخ به سؤال اصلی مقاله سعی شده است ابتدا اهمیت و جایگاه مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار گیرد و سپس مواردی چون آزاداندیشی، احترام به رأی دیگران، مشارکت سیاسی، دوری از استبداد و ... به‌عنوان پیامدهای مشورت بیان شود.

کلیدواژه‌ها: مشورت؛ اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)؛ مستندات روایی و قرآنی

* استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)؛

Email: z_ghafari@yahoo.com

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد؛

Email: gh.alizadeh.18@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره شصت و نه، بهار ۱۳۹۱

مقدمه

منظور از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، مجموعه افکار، آرا و عقایدی است که در آثار و تألیفات ایشان در حوزه‌های نظری و عملی، به‌ویژه در مجموعه *صحیفه امام* گردآوری، استنباط و استخراج شده است. امام خمینی (ره) شورا را سازوکار بیرونی مهار قدرت و راهکاری برای جلوگیری از اشتباه ولی فقیه می‌دانند. از این رو در بیانات و رهنمودهای خود، مسئولان را به مشورت با کارشناسان در امور مهم دعوت می‌کنند. همچنین علاوه بر توصیه و تأکید به مسئولان، مشاهده شده است ایشان در مقام تصمیم‌گیری به مشورت با کارشناسان امر می‌پرداختند.

توصیه‌ها و مستندات قرآنی و روایی وارده در باب مشورت، رویه حکومتی در اسلام را دور از استبداد، خودرأیی و توأم با مشارکت همگانی معرفی کرده است. در سخنان و آثار امام خمینی (ره) نیز مباحث بسیاری در خصوص مشورت و مشارکت ملاحظه می‌شود. بنابراین با توجه به سخنان و همچنین سیره عملی ایشان، می‌توان گفت یکی از اصول مدیریت سیاسی امام خمینی (ره) تصمیم‌گیری بر مبنای مشورت بوده است. نکته حائز اهمیت و قابل توجه در رویه مشورتی ایشان، توجه به دو بحث ساختار (تأسیس نهادها) و کارگزار (افراد) بوده است. از این رو توجه مسئولان جامعه اسلامی به این امر با نظر به پیامدهای آن، دارای اهمیت است.

گفتار و رفتار امام خمینی (ره) ترجمان قرآن و سیره معصومین (ع) است. سیره نظری و عملی ایشان در راستای سیره انبیا و اولیای الهی بر اصول و مبانی اسلام استوار است. آشنایی با اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در زمینه مشورت و مشارکت سیاسی به‌عنوان الگویی برای رهبران و زمام‌داران سیاسی، فواید بسیاری خواهد داشت. پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که «مبانی مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با تأکید بر قرآن کریم و سیره معصومین (ع) از چه جایگاهی برخوردار است؟» در پاسخ به این سؤال، ابتدا مبانی نظری مشورت در مستندات قرآنی و روایی به‌صورت خلاصه بیان شده و سپس

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) درباره مشورت مورد بحث قرار می‌گیرد. در این مقاله سعی شده است براساس روش تحقیق مطالعات اسنادی به توصیف و مبانی مشورت با تأکید بر مستندات قرآنی و روایی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) پرداخته شود. اسناد و متون مورد استفاده علاوه بر قرآن کریم و منابع روایی، شامل آثار امام خمینی (ره) و سایر منابع مرتبط با موضوع تحقیق است. برای گردآوری داده‌ها از فرم‌های فیش‌برداری استفاده شده که بعد از جمع‌آوری و طبقه‌بندی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

۱ مبانی نظری مشورت در اسلام

۱-۱ مستندات قرآنی

معنای لغوی مشورت، استخراج عسل از کندو و عرضه کردن یا نشان دادن چیز نفیسی است که پوشیده و پنهان باشد (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۷: ۲۳۳)؛ راغب اصفهانی نیز می‌نویسد: «عسل را شور کردم، هنگامی که آن را از جایگاهش گرفته و از آن خارج می‌کنی» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۷۰). طریحی نیز همچون راغب بر آن است که مشاوره از «شرت العسل ای استخراجته من موضعه» مشتق شده است (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۵۵۹). در فارسی مشورت به معنای صلاح‌اندیشی، رایزنی و کنکاش به کار رفته است (عمید، ۱۳۸۴: ۱۱۲۵). در اصطلاح مشورت به معنای همفکری در کارها و استفاده از رأی، عقل، علم و سلیقه دیگران و کسب اطلاع از رأی اهل خبره و اصحاب رأی برای دستیابی به نتیجه اصلح است (سامانی، ۱۳۸۷: ۱۷). دین اسلام به نظرخواهی از دیگران و مشورت اهتمام خاصی دارد حتی در قرآن کریم آیاتی در این خصوص و سوره‌ای به نام شوری دال بر اهمیت این امر است. آیاتی که بیان شده‌اند عبارت‌اند از:

۱. آیه ۱۵۹ سوره آل عمران: «ای پیامبر ... در کارها با آنها (مسلمانان) مشورت کن. پس چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن». این آیه با توجه به عبارت «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» از آیات بااهمیت در زمینه مشورت است. پیام‌هایی که از این آیه می‌توان استنباط

کرد عبارت‌اند از: ۱. جذب افراد، ۲. توجه به ارزش مشورت با وجود برخی ناکامی‌ها، ۳. عدم منافات مشورت با حاکمیت و قاطعیت و ۴. مشورت با توکل بر خدا (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۸۵-۱۸۴).

علاوه بر پیام‌های ذکر شده؛ پیامدهایی که در رعایت این امر نهفته است را می‌توان چنین برشمرد: ۱. تفقد از نیروها، ۲. شکوفایی استعدادها، ۳. شناخت افراد، ۴. گزینش و دستیابی بهترین رأی، ۵. ایجاد محبت و تألیف قلوب، ۶. الگویی برای دیگران (همان). این پیامدها در تفاسیر متعدد در خصوص این آیه مشاهده شده که در ادامه آمده است. طبری آورده است پیامبر با یاران خود پیش از جنگ احد درباره چگونگی مواجهه با دشمن مشورت کرد. اکثر آنان بر این نظر بودند که در بیرون شهر و در دامنه کوه احد با دشمن مبارزه کنند، اما معلوم شد که این نظر صحیح نبوده است (طبری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۰۳-۵۰۲). در آیه شریفه، بخشی از اخلاق بزرگوارانه پیامبر (ص) نمایان است. با آنکه ایشان از همه والاترند اما از همگان متواضع‌تر بودند. از دیگر درس‌های این آیه شریفه می‌توان به مشورت در تدبیر امور و تنظیم شئون خود و جامعه اشاره کرد (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۸۲-۵۸۰). از این آیه به خوبی استنباط می‌شود که اصل در اسلام مشاوره است و حتی رهبران باید برای اداره امور کشور با امت مشورت کنند. ولی نباید نتیجه گرفت که رسول اکرم (ص) نیازی به مشاوره با امت داشته تا با استفاده از آرای آنان از خطا و اشتباه مصون بماند؛ زیرا همان‌طور که ادله عقلیه علم و عصمت پیامبر (ص) اقتضا می‌کند و در روایت هم وارد شده آن حضرت بدون مشاوره با کسی به کمک وحی از همه مطالب آگاهی کامل داشته و از خطا و اشتباه مصون بوده است.

در روایت آمده، هنگامی که این آیه نازل شد رسول خدا (ص) گفت: آگاه باشید خدا و پیامبر او از مشاوره و مشورت با مردم بی‌نیازند اما خداوند از باب رحمت و مرحمت بر امت من، مشاوره را برای آنان قرار داده است ... بنابراین باینکه رسول گرامی (ص) و امامان معصوم (ع) موظف به مشاوره با امت بودند و گاهی مشاوره هم می‌کردند ولی

درعین حال مشاوره آنان برای برطرف کردن جهل و نادانی یا مصونیت از اشتباه نبود بلکه با اهداف دیگری انجام می‌شد (استادی، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۳۶).

در پاسخ به این سؤال که با وجود برخورداری پیامبر (ص) از وحی آسمانی، فایده مشورت چه بوده است؟ چنین آمده که فایده مشورت تألیف قلوب یاران بوده و همچنین توجه به این مسئله که پیامبر (ص) با وجود کمال عقل و کمک وحی، با یاران خود به مشورت می‌پرداختند. پس بر مسلمانان است که ضمن تأسی به ایشان، بدانند و آگاه باشند هیچ فردی از مشورت کردن گریز نداشته و بی‌نیاز نیست (سورآبادی، ۱۳۵۳: ۴۳۳).

۲. آیه ۳۸ سوره شوری: «پاداش‌های الهی بهتر و جاویدان‌تر است، برای آنان که ... کارشان بنا بر مشورت میان ایشان است». طبرسی این آیه را «دال بر فضیلت رایزنی در کارها دانسته است» (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۹: ۲۳). چرا که مشورت همراه با ایمان و بر پا داشتن نماز ذکر شده است.

از این آیه علاوه بر پیام‌های ذکر شده در آیه قبلی، موارد دیگری را می‌توان استنباط کرد؛ از جمله مشورت در امور اجتماعی از دستورات دینی بوده که موجب کاهش خطا و عدم انزواست. همچنین پیامدهایی چون احترام به رأی دیگران، جلوگیری از استبداد، جلوگیری از حسادت دیگران و جلوگیری از تکبر و بخل را دربردارد (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۱۵-۴۱۳). در *المیزان* ذیل تفسیر این آیه آمده است؛ کلمه «تشاوری» و «مشاورت» به معنای استخراج رأی صحیح است، یعنی انسان در مواقعی که خودش درباره کاری رأی صحیح ندارد به دیگری مراجعه کرده و از او رأی صحیح بخواهد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۸: ۹۳-۹۲).

نکته مهم آنکه در تفسیر نمونه مشورت کردن در این آیه برنامه مستمر مؤمنان تعبیر می‌شود، یعنی همه کارها به صورت شوری است. همچنین تأکید دارد که خود پیامبر (ص) با اینکه کمال عقل بود و با مبدأ وحی ارتباط داشت، در مسائل مختلف اجتماعی و اجرایی، در مواقع جنگ، صلح و امور مهم دیگر با یاران مشورت می‌کردند و حتی گاه نظر آنها را ترجیح می‌دادند تا الگو و اسوه‌ای برای مردم باشند، چرا که برکات مشورت از زیان‌های

احتمالی آن به مراتب بیشتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲۰: ۴۸۹-۴۸۶). گفتنی است با توجه به موضوع مقاله (اندیشه سیاسی)، در مستندات قرآنی و روایی امر مشورت در عرصه عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به برخی روایات وارده در این باره اشاره می‌شود.

۱-۲ مستندات روایی

مشاوره و هدایت انسان‌های محروم از اندیشه و معرفت، یکی از فعالیت‌های ارزشمند است. از آنجا که در مکتب حیات بخش اسلام برای تخصص و کاردانی جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده؛ در سیره پیشوایان معصوم (ع) نیز تأکید شده است که مردم برای رفع مشکلات و پاسخ به سؤالات خویش باید به افراد متخصص مراجعه کنند (نساجی زواره، ۱۳۸۷: ۴۵). ضرورت و اهمیت مشورت را از گفتار، سخنان و سیره پیشوایان دینی نیز می‌توان استنباط کرد که به اختصار به چند نمونه از این روایات اشاره می‌شود. پیامبر (ص) فرموده‌اند: «هرگاه انسان عاقل خیرخواه به تو مشورت داد بپذیر و از مخالفت با آرای چنین افرادی پرهیز که بی‌گمان نتیجه آن هلاکت است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۱۰۲-۹۹).

پیامبر (ص) در این موارد با یاران مشورت کردند: ۱. جنگ بدر، ۲. جنگ احد، ۳. جنگ خندق، ۴. روز حدیبیه، ۵. جنگ بنی قریظه و بنی نضیر، ۶. فتح مکه، ۷. جنگ تبوک، ۸. در مورد کسانی که به عایشه تهمت زده بودند، ۹. طلاق عایشه، ۱۰. فرستادن فرماندار و حاکم به مکاتی (استادی، ۱۳۸۳: ۱۷۱-۱۶۷). امام رضا (ع) درباره نحوه تصمیم‌گیری رسول خدا (ص) فرموده است: «رسول خدا (ص) با اصحاب خود مشورت می‌کرد و سپس بر آنچه می‌خواست تصمیم می‌گرفت» (الحرالعالمی، بی‌تا، ج ۸: ۴۲۸). این روش حاکی از عدم تناقض مشورت کردن با تصمیم‌گیری قاطع است.

حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه حکمت ۲۱۱ می‌فرمایند: «مشورت عین هدایت است، آنکه خود را از مشورت بی‌نیاز می‌داند به خطر می‌افتد». همچنین می‌فرمایند: «آنکه مشورت

کرد حیران نماند. دوران‌دیش محکم کار، خودرأی نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۱۳). سخنان بسیاری در این باب در نهج‌البلاغه ذکر شده، از جمله: «هیچ پشتیبانی همچون مشورت نیست»؛ «هرکس به رأی و نظر خویش اکتفا کند (و در کارها با دیگران مشورت نکند)، خود را در خطر انداخته است»؛ «سزاوار انسان خردمند است که رأی خردمندان را بر رأی خویش بیافزاید، و دانش و آگاهی خویش را با به‌دست آوردن دانش حکیمان و دانایان افزون سازد»؛ «هرکس با خردمندان مشورت کند، به آنچه صواب است راهنمایی شود»؛ «راه حق و صواب از هیچ جا بهتر از مشاوره به‌دست نمی‌آید» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۱۵-۳۱۴).

در حکمت ۱۶۱ نیز از آن حضرت آمده است: «هر که با مردمان مشورت کرد خود را در خرد آنان شریک ساخت»؛ همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید، جمعی از پیامبر پرسیدند: «محکم کاری و دوران‌دیشی چیست؟ ایشان فرمودند: مشورت کردن با صاحب‌نظران» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۱۰۰)؛ امام جواد (ع) نیز می‌فرماید: «مشورت بابرکت است» (سمرقندی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۳۵).

براساس سخنان پیشوایان دینی چنین می‌توان دریافت که مشورت پشتیبانی مطمئن است و برکتی فراوان در پی دارد؛ همچنین انسان را از هلاکت و سرگردانی نجات می‌دهد. علل دیگر مشورت ائمه (ع)، به‌رغم داشتن عصمت، علم الهی و بی‌نیازی آنان از رایزنی با دیگران، به دلایلی چون الگوگیری مسلمانان، آزمایش یاران، شخصیت دادن به مردم، جلوگیری از کارشکنی، متهم نشدن به استبداد رأی، ایجاد الفت و تألیف قلوب و رشد فکری مردم بوده است (سامانی، ۱۳۸۷).

جدول ۱ مبانی و پیامدهای مشورت در قرآن و روایات

پیامدها	پیامها	مستندات	مبانی
<ul style="list-style-type: none"> • تفقد از نیروها و شکوفایی استعدادها • شناخت افراد و گزینش و دستیابی به بهترین رأی • ایجاد محبت و تألیف قلوب و الگویی برای دیگران • مشورت در امور اجتماعی نه دستورات دینی • کاهش خطا و عدم انزوا • احترام به رأی دیگران و جلوگیری از استبداد • جلوگیری از حسادت و تکبر و بخل 	<ul style="list-style-type: none"> • جذب افراد • توجه به ارزش مشورت با وجود ناکامی‌های موسمی؛ عدم منافات مشورت با حاکمیت و قاطعیت • در کنار مشورت توکل بر خدا • پاداش‌های الهی جاویدان‌تری برای آنان که ... کارشان بنا بر مشورت انجام می‌گیرد، در پیش خواهد بود • فضیلت مشورت در کارها 	آیه ۱۵۹ آل عمران	قرآنی
		آیه ۳۸ شوری	
<ul style="list-style-type: none"> • پشتیبانی مطمئن • نجات انسان از هلاکت و سرگردانی • الگوگیری مسلمانان • آزمایش یاران • شخصیت دادن به مردم • جلوگیری از کارشکنی • متهم نشدن به استبداد رأی • ایجاد الفت و تألیف قلوب • رشد فکری مردم • افزایش خرد و عقل • دستیابی به بهترین رأی 	<ul style="list-style-type: none"> • هرگاه انسان عاقل خیرخواه به تو مشورت داد پذیر و مخالفت ... بی‌گمان نتیجه آن هلاکت است • دوراندیشی مشورت کردن با صاحب‌نظران است • آنکه مشورت کرد حیران نماند • مشورت عین هدایت است • هیچ پشتیبانی همچون مشورت نیست • هر که با مردمان مشورت کرد خود را در خرد آنان شریک ساخت • هر کس در کارها با دیگران مشورت نکند، خود را در خطر انداخته است • سزاوار انسان خردمند است که رأی خردمندان را بر رأی خویش بیافزاید • هر کس با خردمندان مشورت کند، به آنچه صواب است راهنمایی شود 	حضرت پیامبر (ص)	روایی
		حضرت علی (ع)	

۲ مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

در پاسخ به سؤال اصلی مبنی بر اینکه «مبانی مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با تأکید بر قرآن کریم و سیره معصومین (ع) از چه جایگاهی برخوردار است؟» با توجه به تأکید امام خمینی (ره) به مشورت در تصمیم‌گیری‌ها؛ ابتدا به جایگاه و اهمیت مشورت و سپس پیامدهای آن در اندیشه سیاسی ایشان اشاره می‌شود.

۲-۱ جایگاه

۱. **خاستگاه فقهی:** امام خمینی (ره) فقهی آشنا به سیاست بود. در همین راستا یکی از قواعد فقهی سیاسی نزد ایشان قاعده مشورت بوده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۲). بنابراین به طرح موضوع مشورت در قالب واژگان فقهی پرداخته و می‌فرماید: «تخلف از حکم ملت بر هیچ‌یک از ما جایز نیست و امکان ندارد» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۱۶۵). سخنان امام (ره) در قالب فقهی ایراد شده است. فقها تردیدهای فقهی را با احتیاط ایراد می‌کنند و هرگاه احتیاط نکنند حکایت از عمق مسئله مورد بحث دارد. این در حالی است که مشارکت مردم در امور سیاسی، امری وارداتی شمرده می‌شود، اما امام (ره) با صلابت تخلف از حکم ملت را جایز نمی‌داند (مبلغی، ۱۳۷۸: ۴۲۵-۴۲۴).

بی‌تردید امام خمینی (ره) در جایگاه فقهی شیعی، دیدگاه‌های سیاسی خود را از درون مبانی فقهی، کلامی و اصلی خود برگرفته بود (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۴۲). از این رو اگر هر یک از مدیران نظام اسلامی بدانند یا احتمال دهد در صورت مشورت با صاحب‌نظران، به راه‌ها و نتایج بهتری برای اداره امور دست خواهد یافت؛ مشورت بر او واجب خواهد بود. در غیر این صورت، صلاحیت تصدی مقام مزبور را از دست می‌دهد (ارسطا، ۱۳۷۸: ۳۰). در یک نگاه کلی می‌توان گفت ایشان مشورت را در امور اجتماعی و سیاسی ضروری می‌دانستند.

۲. **قاعده رجوع جاهل به عالم:** تأکید امام خمینی (ره) بر ارجاع امور به متخصصان و نظرخواهی از کارشناسان، از عمل به این قاعده در تصمیم‌گیری‌ها حکایت دارد. «علم به

همه ابعاد امور جامعه، از عهده یک نفر خارج است» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۳۱۱-۳۱۰).
از این رو علم بر همه امور، رجوع و مشورت با کارشناسان را می‌طلبد (قربانزاده، ۱۳۸۱: ۱۹۹).
ایشان می‌فرمایند اداره امور جامعه باید با مشارکت تعداد بسیاری از متخصصان رشته‌های
مختلف صورت گیرد (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۶۶۵).

۳. **توجه به مقتضیات زمان و مکان:** در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) توجه به مقتضیات
زمان و مکان در روند تصمیم‌گیری از اهمیت بسزایی برخوردار است. ایشان تأکید دارند
تصمیم‌گیرندگان و مسئولان با در نظر داشتن این مهم به اخذ تصمیم مبادرت ورزند. در
همین زمینه می‌فرمایند: «از تأثیر شرایط و موقعیت بر استنباط و اتخاذ تصمیم نباید غفلت
ورزید؛ زیرا نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری، از مسائل مهم و انکارناپذیر
است» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۱۷). بنابراین بی‌توجهی، اطلاع نداشتن و غفلت کردن از
وقایع و اوضاع، نظرات غیرواقعی یا خلاف واقع را باعث می‌شود (همان، ج ۱۴: ۵۸-۵۴).
از نظر امام خمینی (ره) راه‌حل‌ها باید هماهنگ با موقعیت‌ها باشد و مشاوران نیز باید از زمان
و مکان درک درستی داشته باشند (آشوری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۹).

۴. **توجه به مصلحت جامعه:** در نظر امام خمینی (ره)، سیاست چیزی جز تدبیر مصالح
عمومی جامعه و تأمین خیر و صلاح عموم نبود (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۲۸-۲۶). با توجه به
سیره عملی ایشان مواردی چون ایجاد مجمع تشخیص مصلحت نظام، ضرورت رأی اعتماد
مجلس به دولت، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و قبول استعفای قائم‌مقام رهبری را می‌توان از
نمونه‌های بارز توجه امام خمینی (ره) به مصلحت عمومی جامعه به‌شمار آورد (غفاری
هشجین و علیزاده، ۱۳۹۰: ۴۱-۳۸).

توجه امام خمینی (ره) در مناسبت‌های مختلف به نقش مصلحت در احکام حکومتی،
چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از آن موجب نهادینه شدن مصلحت در نظام
جمهوری اسلامی ایران شده و به صورت بازوی مشورتی رهبری و راهکاری در رفع تنگناها
در قالب مجمع تشخیص مصلحت نظام تجلی کرده است (آشوری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۰).

وجود مرجعی مشخص برای تعیین مصلحت امری است که در همه نظام‌های سیاسی و اجتماعی مورد قبول است اما در منابع شیعی، تشکیل مجمعی از کارشناسان علوم مختلف مرتبط با موضوع تحت نظارت فقیه اعلم به احکام شرع است. بند اول، اصل (۱۱۰) قانون اساسی مقرر می‌دارد، [یکی از وظایف و اختیارات رهبر] تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام [است]. این تقیید، الزام رهبر به مشورت با کارشناسان و تبعیت از نظر رسمی آنان را می‌رساند (فخار طوسی، ۱۳۷۸: ۲۷۸-۲۷۵).

در نوشته‌ها و همچنین در سیره عملی امام (ره)، بین تشخیص مصلحت و کارشناسی آن پیوند عمیقی برقرار است. ایشان در زمینه مرجعیت تشخیص مصالح در کتاب *البیع* از ضرورت سپردن کارها به کارشناسان و متخصصان سخن گفته‌اند (امام خمینی (ره)، بی‌تا، ج ۲: ۶۶۶) و در جای دیگر به مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام توصیه می‌کنند که از کارشناسان و متخصصان متعهد و کاردان بهره ببرند (صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۶۴).

امام خمینی (ره) با توجه دادن فقها به عنصر زمان و مکان، طرح تازه‌ای را برای اداره جامعه مبتنی بر اصول شریعت ارائه دادند که در آن توانایی و خلوص دین به صورت توأمان حفظ شده و ضمن حفظ ماهیت فقه جواهری، فقه در زمینه کاربرد و اداره جامعه توسعه و به شکل پویایی درمی‌آمد. فقه پویا مطابق روایت امام خمینی (ره) دربرگیرنده مصالح عمومی بوده و از این حیث بر فقه سنتی برتری داشت (افتخاری، ۱۳۸۴: ۴۲۹).

بنابراین از آنجا که رعایت مصلحت مسلمین بر همه کارگزاران نظام اسلامی واجب است و انجام این وظیفه در بسیاری از موارد جز به وسیله مشورت با متخصصان ممکن نیست، می‌توان نتیجه گرفت مشورت در امور، بر همه تصمیم‌گیرندگان نظام اسلامی واجب است. به خصوص در زمان حاضر که حکومت، گستره وسیعی پیدا کرده و اداره آن نیازمند به استفاده از دانش‌ها و مهارت‌های گوناگون است (ارسطا، ۱۳۷۸: ۲۸-۲۷).

۵. توجه به شریعت: امام خمینی (ره) همچون پیشوایان دینی (ع) به مشورت توجه داشته و در امور حکومتی و تصمیم‌گیری‌ها با توجه به مصالح جامعه از نظرهای کارشناسان و خبرگان

استفاده می‌کردند، براساس دیدگاه فقهی ایشان، تحمیل بر مردم امری غیرشرعی و اقدامی مخالف با شریعت است. ایشان ضمن آنکه در بخشی از سخنان خود می‌فرمایند: «مشورت در کارها از دستورات اسلامی است» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۰)؛ بر این نکته نیز تأکید دارند که بین مصلحت‌اندیشی‌های حاکم و دستورات شریعت، باید سازگاری باشد. امام خمینی (ره)، به کرات در کتاب‌های ولایت فقیه و البیع بر این معیار تأکید می‌کنند.

۲-۲ پیامدها

برخی از پیامدهای کاربست امر مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، در سطح نظری به شرح زیر مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱ پیامدهای نظری

۱. آزاداندیشی: مشورت و تبادل آرا در فضایی به دور از استبداد و اضطراب، به پرورش افکار مختلف و بیان آرا منجر می‌شود. برخی از شاخص‌هایی که می‌توان در حیطه آزاداندیشی قرار داد به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: پرهیز از خودمطلق‌بینی، انتقادپذیری و آزادی بیان. امام خمینی (ره) در زمینه پرهیز از خودمطلق‌بینی و مبرا دانستن خود از خطا و انتقاد در توصیه‌ای همگانی در نامه‌ای موسوم به تحکیم برادری فرموده است: «هیچ کس نباید خود را مطلق و مبرا از انتقاد ببیند» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۷۹).

گفت‌وگوهای صادقانه، تبادل آرا و افکار با جریان‌های مختلف و مخالف نیز از روش‌هایی است که به‌منظور دوری از خودمطلق‌بینی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مورد توجه بوده است. از این رو ایشان وجود گفت‌وگو، مشورت و تفاهم را برای همه کسانی که می‌خواهند این مملکت را اداره کنند، لازم می‌دانند (همان، ج ۱۳: ۱۰۵). همچنین ایشان مجلس را محل گفت‌وگو و مشورت در امور مردم و اسلام می‌دانند (همان، ج ۱۲: ۳۴۴).

امام خمینی (ره) به انتقاد و انتقادپذیری نیز توجه بسیار داشته‌اند چرا که وجود انتقاد، ترجمان آزادی بیان است، امام خمینی (ره) همگان را به انتقادپذیری دعوت کرده و آن را

هدیه‌ای الهی می‌دانند و می‌فرمایند: «نباید ماها گمان کنیم که هرچه می‌گوییم و می‌کنیم کسی را حق اشکال نیست، اشکال بلکه تخطئه یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها» (همان، ج ۲۰: ۴۵۱). همچنین ایشان اشکال مدرسه‌ای و اشکال طلبگی را اشکال سازنده می‌دانند و ملت را نیز به این روش دعوت می‌کنند (همان، ج ۱۷: ۱۲۴). در بیانی دیگر انتقاد سالم و سازنده را لازم، مفید و موجب رشد و تعالی دانسته‌اند (همان، ج ۱۹: ۱۵۳). عدم انتقادپذیری خودبینی را در پی خواهد داشت به طوری که در بیان امام خمینی (ره)، خودبینی مانع راه هدایت انسان ذکر می‌شود (همان، ج ۱۲: ۵۰۷).

انتقادپذیری و مشورت با مردم در امر حکومت، یکی از شاخص‌ها و ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی (ره) است و حکومتی که از مشورت و پذیرش انتقاد و نظارت مردمی روی گردان باشد، بنای خود را بر استبداد قرار داده است (جمشیدی، ۱۳۷۹: ۱۲۴).

۲. احترام به رأی دیگران: از جمله نتایج مشورت در اندیشه امام خمینی (ره) که می‌توان به آن اشاره کرد؛ احترام به رأی و نظر دیگران است. احترام به آرای فکری صاحبان اندیشه از هر قوم و ملت و نقادی خردمندانه و منصفانه آن از عناصر تفکر سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) است (ساعی، ۱۳۸۲: ۲۲۳). امام خمینی (ره) تأکید داشتند نظرات اجتهادی - فقهی مختلف و مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۷۷).

تفاوت در نظرها و افکار انسان‌ها طبیعی است، مهم این است که افراد در رسیدن به هدفی واحد بتوانند باهم متحد باشند و اختلاف‌ها را کنار بگذارند نه اینکه دشمن هم باشند و باعث آسیب رساندن به کشور شوند (استیری، ۱۳۸۶: ۱۴۰). امام خمینی (ره) کتب فقهی بزرگوار اسلام را پر از اختلاف‌نظرها و سلیقه‌ها می‌دانند (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۷۶).

امام خمینی (ره) ضمن تأیید اختلاف اجتهاد و آرا میان فقها، به نتایج مشکل‌آفرین این اختلاف نیز تأکید می‌کند و چاره کار را برای رسیدن به تفاهم، مشورت اعلام می‌دارد (همان، ج ۲: ۶۸). شور و مشورت اصل محوری در اسلام و در گفتمان امام خمینی (ره) است که اختلاف‌نظر را به اتحاد و تفاهم پیوند می‌زند. البته امام خمینی (ره)، اختلاف‌نظر

در اصول را نمی‌پذیرد اما از اختلاف نظر در مسائل فرعی، استقبال می‌کند و برای حل آنها توصیه اکید امام (ره)، مشورت و وصول به تفاهم است. البته تفاهم به معنای اتحاد آرا نیست (مروی، ۱۳۸۶: ۸۱-۸۰).

امام خمینی (ره) در بیانات مختلفی توجه به آرای مردم را مورد توجه قرار داده و گوشزد کرده‌اند (صحیفه امام، ج ۱۸: ۴۰۳). همچنین ایشان تحمیل رأی بر دیگران را تنها در صورت در خطر بودن حیثیت نظام و برای حفظ آن، جایز می‌دانند. البته به لزوم تشخیص موضوع از طرف کارشناسان و بحث‌های کارشناسانه اشاره کرده و تنها در این صورت چنین امری پذیرفتنی است (همان، ج ۲۱: ۱۴۲). ایشان حتی آرای ملت را در همه امور حاکم دانسته و آن را از خصوصیات اسلام می‌دانند (همان، ج ۱۴: ۱۰۹ و ۲۶۷). همچنین احترام به آرای عمومی را به زمام‌داران توصیه می‌کنند (همان، ج ۴: ۲۶۶). ایشان با عنایت به جایگاه مردم و احترام به آرای آنها، تبعیت از رأی ملت را وظیفه دولت دانسته‌اند (همان، ج ۱۱: ۳۴). امام خمینی (ره) در انجام تغییرات فرادستوری در قانون اساسی، نه تنها به روند مشورت‌دهی و مشورت‌پذیری پایبند بودند بلکه به نظر اکثریت هم توجه داشتند (خلیلی، ۱۳۷۸: ۱۳۴). بدین ترتیب احترام به آرای مختلف و مخالف با وجود اختلاف سلیقه را مورد تأکید قرار داده‌اند.

۳. **عقلانیت در تصمیم‌گیری:** براساس روایات پیشوایان دینی؛ انسان با مشورت کردن، در عقل دیگران شریک و از هلاکت نجات می‌یابد. بدین معنا عاقلانه‌ترین تصمیم با مشورت کردن گرفته می‌شود. تأکید امام (ره) بر نقش متخصصان و پافشاری بر نظر آنان، نشان از اهمیتی است که برای عنصر عقلانیت در تصمیم‌قائل بودند. اعتماد زیاد فوق‌العاده امام (ره) بر تخصص در بسیاری موارد ایشان را از تعقیب دیدگاه خود منصرف می‌کرد. از این رو تصمیم‌گیری نهایی در اختیار کارشناسان بود. ایشان می‌فرمایند: «متخصصین تصمیم خود را خواهند گرفت» (صحیفه امام، ج ۴: ۱۳۶). یا «در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید» (همان، ج ۱۸: ۴۱).

ایشان در کتاب *ولایت فقیه* لزوم تشکیل حکومت را با مشورت و تبادل نظر مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین ایشان سپردن کارهای حکومت اسلامی به دست کارشناسان

امین و خردمندان معتقد را موجب قطع شدن دست خائنین از حکومت می‌دانند. این بیانات حاکی از آن است که امام (ره) راه نجات و رسیدن به تصمیم‌گیری عقلایی را منوط به نظر کارشناسان و متخصصان و مشورت با آنان می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۱۲۵).

از آنجا که قلمرو حکم حاکم و مصلحت‌شناسی او گسترده است و ولی فقیه به تنهایی نمی‌تواند همه این مصالح را تشخیص دهد؛ از این رو با واگذاری این صلاحیت به اشخاص یا نهادهایی که تخصص لازم دارند، مصلحت‌اندیشی این افراد یا نهادها مشروعیت می‌یابد (کتاب‌های مجله حوزه، ۱۳۷۸: ۱۹۰). امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «شاید در اینکه گفتیم حکومت حق فقیهان عادل است، اشکال شود که فقیهان توانایی اداره سیاسی و نظامی کشور و مانند آن را ندارند، ولی این اشکال درست نیست؛ زیرا اداره کشور، در هر حکومتی با همیاری و شرکت شمار زیادی از خبرگان و کارشناسان انجام می‌گیرد» (صحیفه امام، ج ۲: ۶۶۶-۶۶۵).

تصمیم‌گیری مشارکتی، هم‌روندی عقلایی است و هم برخوردار از نتایج عقلایی، از این رو امام خمینی (ره) مشارکت را در قالب انتقاد و اظهارنظرهای مختلف و مخالف با یکدیگر ضروری شمرده و آن را عامل رشد اندیشه و اصلاح به حساب می‌آورد (مبلغی، ۱۳۷۸: ۴۱۷). در مسائل تبلیغاتی برای مقابله با گروه‌ها و تبلیغات بیگانگان علیه نظام اسلامی، دستور به مشورت و تبادل اطلاعات می‌دهند و نتیجه آن را موفقیت‌آمیز می‌دانند (صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۶۲). امام خمینی (ره) رمز پیروزی و موفقیت را، اتحاد و همفکری و مشورت با یکدیگر دانسته‌اند (همان، ج ۱۲: ۷۹). ایشان کار اصلی مجلس را مشورت برای دستیابی به نتیجه خوب در طرح‌ها و لوایح می‌دانند (همان: ۳۴۴).

۴. **مشارکت سیاسی:** مشارکت سیاسی از جمله پیامدهای نظری مطرح در مباحث مشورت در امور سیاسی و اجتماعی است که امام خمینی (ره) نیز به آن بسیار پرداخته است. از نظر ایشان مشورت در امور اجتماعی و سیاسی امری لازم بوده که باعث جلوگیری از ضررهای احتمالی و هرگونه استبداد می‌شود. به‌طور کلی مشارکت در نگاه امام خمینی (ره) هم حق و هم تکلیف و

- مسئولیت است، چون حق مردم است پس نسبت به تحقق آن مکلف‌اند (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۶۶۷).
- امام خمینی (ره) مکرر مردم را به حضور در انتخابات توصیه کرده و مسامحه در امر انتخابات را برخی مواقع در ردیف گناهان کبیره و نابخشودنی برشمرده است. حتی در رأس همه گناهان دانسته که باعث مؤاخذه در این دنیا و در جهان آخرت خواهد بود (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۲۰). همچنین به‌زعم ایشان عدم مشارکت، سلطه بیگانگان را بر ثروت‌ها، امکانات، فرهنگ کشور و جامعه در پی خواهد داشت و نهایت اینکه اهمیت مشارکت در نگاه ایشان به حدی است که حیات اسلام و جامعه اسلامی را منوط به آن می‌دانند (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۶۶۹-۶۶۷).
- ایشان باصراحت می‌فرمایند: «اما اگر بخواهید در مقابل دنیا اظهار حیات بکنید ...، باید مشارکت کنید. اگر - خدای نخواسته - از عدم مشارکت شما یک لطمه‌ای بر جمهوری اسلامی وارد بشود، ... - مسئول هستیم؛ مسئول پیش خدا هستیم ... مسئله، مسئله اسلام است» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۳۲۹-۳۲۸). زیرا «چه‌بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران‌پذیر نباشد» (همان، ج ۲۱: ۴۲۱). از سویی، عرصه مشارکت به لحاظ مشارکت‌کنندگان، منحصر به گروه، جناح یا صنف مشخصی نیست (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۶۶۹).
- در یک جمع‌بندی از مباحث امام (ره) در مورد نقش مردم در حکومت، مبانی نظری ایشان را بدین شرح می‌توان دانست (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).
- **ضرورت عدم تحمیل بر مردم:** ایشان تحمیل بر مردم را غیر شرعی و اقدامی مخالف با شریعت می‌دانند (صحیفه امام، ج ۱۱: ۳۴).
 - **مقبولیت و حمایت مردمی:** در دیدگاه امام (ره)، بدون حمایت مردم امکان تحقق و استمرار حکومت اسلامی وجود ندارد (همان، ج ۱۱: ۴۵۹).
 - **حق تعیین سرنوشت:** به گفته امام (ره)، حقوق اولیه هر ملتی تعیین سرنوشت و در دست داشتن اختیار امور است (همان، ج ۴: ۳۶۷ و ۴۹۴).
 - **تکلیف مسلمانان در مشارکت سیاسی:** ایشان در موارد متعددی مردم را به شرکت در انتخابات مکلف می‌کنند (همان، ج ۱۸: ۲۸۶).

• وجوب امر به معروف و نهی از منکر: ایشان تبلور امر به معروف را حضور مردم در صحنه سیاسی و دخالت و نظارت در این حوزه دانسته و آن را زمینه‌ساز مشارکت سیاسی می‌دانند. بنابراین حتی مردم را موظف به نظارت بر رهبری نظام دانسته‌اند (همان، ج ۸: ۵).

• صالح بودن بیشتر مردم: به باور ایشان مردم اکثرشان صالح‌اند و می‌خواهند مملکتشان صحیح باشد (همان، ج ۵: ۳۲۲-۳۲۱).

• اعتبار رأی اکثریت: بر همین اساس، ایشان معتقد است: «آرای اکثریت خطا نکرده و معتبر است» (همان: ۳۲۳-۳۲۲؛ ج ۹: ۳۰۴). از نظر ایشان میزان رأی ملت است (همان، ج ۷: ۱۲۶-۱۲۰).

اصل حاکمیت مردم مستلزم مشورت نمایندگان با مردم در بسیاری از امور است. اما امام (ره) جایگاه مردم در حکومت را بسیار بالاتر از مشورت‌گیری و مشورت‌دهی دانسته و بیان می‌کند همه امور جمهوری اسلامی در همه مراحل حتی رهبری آن براساس آرای مردم بنا شده است (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۱: ۸۷). امام خمینی (ره) به دو ویژگی اساسی حکومت مطلوب و مورد نظر خود یعنی اتکا به رأی مردم و ابتنا بر قواعد و موازین اسلامی نظر دارد (جمشیدی، ۱۳۷۹: ۹۶). شاید بتوان گفت که امام (ره) براساس قاعده تلازم عقل و شرع، بین رأی مردم و خواست و رضای خدا، یا دقیق‌تر بین عقل و شرع تعارضی نمی‌دیدند (همان: ۱۱۲).

یکی از حقوق دولت بر مردم، در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی (ره) نظارت و مشورت است. مردم نباید در جامعه اسلامی به رفتارهای سیاسی و اجتماعی زمام‌داران خود بی‌تفاوت باشند. آنان موظف‌اند بر اعمال دولت و کارگزاران نظام اسلامی از طرق مختلف از جمله استشاره، نظارت کرده و با نظرهای مشورتی خود موجب استحکام دولت اسلامی و اصلاح زمام‌داران خویش شوند (سجادی، ۱۳۷۸: ۱۹۲). مردم باید در همه شئون اجتماعی، سیاست و حکومت این حق را اجرا کنند. در اندیشه سیاسی امام (ره) این حق مورد توجه قرار گرفته است (صحیفه امام، ج ۷: ۳۴-۳۳).

طبق اندیشه حکومتی امام خمینی (ره)، مردم نقشی بسیار گسترده در تعیین ارکان حکومت دارند. امام خمینی (ره) خود نیز با انتخاب مردم حکومت را به‌دست گرفت. همچنین

مقام معظم رهبری را مجلس خبرگان که منتخبان مردم هستند انتخاب کردند. افزون بر این کاندیدای مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند (فضل‌اله، ۱۳۷۸: ۴۸۸-۴۸۷). احترام به رأی، نظر و خواسته‌های مردم در نظام مطلوب مورد نظر امام خمینی (ره) جایگاه فوق‌العاده والایی داشته، آنچنان که در بسیاری از موارد حاضر به اعمال نظر شخصی خود نبود و سعی می‌کرد رأی و نظر مردم را بداند (جمشیدی، ۱۳۷۹: ۱۱۹). امام (ره) مشارکت را به منزله پشتوانه نظام تلقی می‌کرده است (صحیفه امام، ج ۴: ۲۴۸). با توجه به مطالب بیان شده در بحث اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) درباره مشورت و پیامدهای حاصل از آن، می‌توان الگویی اسلامی و راهبردی به منظور بهره‌گیری مسئولان و مدیران ارائه داد. بنابراین می‌توان گفت این الگو اگرچه با اصول و مبانی اسلامی طراحی شده؛ اما قابلیت روش‌شناختی آن را دارد تا در دیگر مکاتب مورد کاربرد و آزمایش قرار گیرد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۱).

جدول ۲ جایگاه و پیامدهای مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

پیامدهای نظری	جایگاه و مبانی
<ul style="list-style-type: none"> • آزاداندیشی • احترام به رأی دیگران • تصمیم‌گیری عقلانی • مشارکت سیاسی و دوری از استبداد 	<ul style="list-style-type: none"> • خاستگاه فقهی مشورت • قاعده رجوع جاهل به عالم • توجه به شریعت • توجه به مقتضیات زمان و مکان • توجه به مصلحت جامعه

۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از جمله مسائل مهم و مورد توجه در عرصه‌های نظری و عملی سیاسی به‌ویژه در جوامع اسلامی، دوری از استبداد و خودرأیی مسئولان و مدیران سیاسی است. به همین دلیل در نظام‌های سیاسی، توجه و تأمل اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی به این امر (جلوگیری از بروز استبداد و خودرأیی) دارای اهمیت است. براساس این با توجه به الگوی مدیریت

سیاسی امام خمینی (ره) در این مقاله سعی شد دیدگاه‌ها و اندیشه سیاسی ایشان در امر مشورت به‌عنوان الگویی تحلیلی و راهبردی به مدیران و مسئولان سیاسی معرفی شود.

بنابراین در پاسخ به سؤال اصلی که «مبانی مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با تأکید بر قرآن کریم و سیره معصومین (ع) چه جایگاهی دارد؟» ابتدا با نگاهی به آیات و روایات وارد شده در زمینه مشورت، اهمیت این آموزه دینی در دین اسلام و در گفتار و سیره معصومین (ع) مورد بررسی قرار گرفت. سپس به بحث درباره جایگاه و اهمیت مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) پرداخته شد. در این خصوص مواردی چون خاستگاه فقهی مشورت، قاعده رجوع جاهل به عالم، توجه به مقتضیات زمان و مکان، مصلحت جامعه و شریعت به‌عنوان دلایل اهمیت موضوع در نزد امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار گرفت.

در ادامه بحث به پیامدهای حاصل از امر مشورت در سطح نظری اشاره شد. در این قسمت مواردی چون آزاداندیشی و توجه به انتقادپذیری و گفت‌وگو، احترام به آرای دیگران با وجود اختلاف سلیقه، عقلانیت در تصمیم‌گیری و مشارکت سیاسی و دوری از استبداد بیان شد. از نتایج بررسی مشورت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) می‌توان استنباط کرد که این یافته‌ها با مستندات قرآنی و روایی وارده در امر مشورت، هماهنگی داشته و در راستای تعالیم و آموزه‌های اسلامی و عمل به آن است. امام خمینی (ره) رمز توفیق در عمل صالح و اصلاح رفتار ناشایست را در پی مشارکت و مشورت در امور می‌دانند. همان‌گونه که پیامبر (ص) در حکومت خویش به بسط مشورت همت گماشت؛ مشورت را به سطح جامعه کشاند و فرد فرد جامعه را در فرایند شکل‌گیری آن سهیم کرد. ایشان علاوه بر اینکه به مشورت با متخصصان، کارشناسان و مشاوران تأکید بسیار و التزام عملی داشتند؛ بر آرا و نظرهای مردم نیز توجه و تأکید بسیار داشتند، تا آنجا که یکی از ارکان حکومت اسلامی و به دور از استبداد را مبتنی بودن بر آرای مردم دانسته‌اند. امام خمینی (ره) با عملکرد و شیوه مدیریت منحصر به فرد خود، علاوه بر الگوگیری از مشی و رویه حکومت معصومین (ع)؛ الگویی برای مدیران و مسئولان ایران اسلامی فراهم کرد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم. ترجمه الهی قمشهای، تهران، اسوه.
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. آشوری لنگرودی، حسن (۱۳۷۸). «امام خمینی (ره) و حفظ مصالح نظام»، حوزه، ش ۴.
۴. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۶ هـ.ق). لسان العرب، ج ۲، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۵. ارسطا، محمدجواد (۱۳۷۸). «نگاهی به مبانی فقهی شورا»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۴.
۶. استادی، رضا (۱۳۸۳). مدارک نهج البلاغه؛ مشورت در قرآن و حدیث، تهران، قدس.
۷. استیری، اکرم (۱۳۸۶). «وحدت ملی و انسجام اسلامی در سیره نظری و عملی امام خمینی (ره)». فصلنامه حضور، ش ۶۳.
۸. افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). انتظام ملی: جامعه‌شناسی نظم از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
۹. _____ (۱۳۸۴). مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. الحرالعاملی، محمد (بی تا). وسائل الشیعه، ج ۸، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۱. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
۱۲. _____ (۱۳۷۹). «ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه متین، ش ۹.
۱۳. جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۸۱). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۴. حکیمی محمدرضا و دیگران (۱۳۸۳). الحیة، ترجمه احمد آرام، ج ۱، قم، انتشارات دلیل ما.
۱۵. خلیلی، محسن (۱۳۷۸). «بهره‌وری از اختیارات مطلقه ولی فقیه و سیره عملی امام خمینی (ره) در تغییرات فرادستوری قانون اساسی»، حوزه، ش ۴.
۱۶. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۵). ولایت فقیه، تهران، امیرکبیر.
۱۷. _____ (بی تا). البیع، ج ۲، تهران، عروج.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۳). المفردات فی غریب القرآن (تفسیر لغوی و ادبی قرآن)،

- ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی، ج ۲، تهران، مرتضوی.
۱۹. ساعی، محمدحسین (۱۳۸۲). «سیری در کتاب تقریرات فلسفه امام خمینی (ره)»، فصلنامه حضور، ش ۴۴.
۲۰. سامانی، سیدمحمود (۱۳۸۷). مشورت و مشاوران در سنت و سیره پیشوایان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. سجادی، سیدعبدالقیوم (۱۳۷۸). «دولت مطلوب در اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)»، مجموعه آثار ۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۲. سمرقندی، نصرین محمد (۱۳۸۰). تفسیر القرآن، ج ۱، بی‌جا.
۲۳. سورآبادی، ابوبکر عتیق (۱۳۵۳). تفسیر سورآبادی، ج ۱، بی‌جا، بنیاد فرهنگ ایران.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا). بررسی‌های اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. ——— (بی‌تا). تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، ۱۸ و ۱۷، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. طبرسی، علی فضل‌بن‌الحسن (۱۳۸۰). تفسیر مجمع‌البیان، ترجمه علی کرمی، ج ۲، ۹ و ۱۳، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. طبری، محمدبن‌جریر (۱۳۸۰). تاریخ طبری، ج ۱ و ۲، تهران، سروش.
۲۸. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۷). مجمع‌البحرین، ج ۲، بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵). «امام (ره) هیچ‌وقت بدون مشورت کاری نکردند»، فرهنگ پایداری، ش ۷.
۳۰. عمید، حسن (۱۳۸۴). فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
۳۱. غفاری هاشجین، زاهد و قدسی عزیزاده (۱۳۹۰). «جایگاه و ابعاد مشورت در سیره عملی امام خمینی (ره)». پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ش ۱.
۳۲. فخار طوسی، جواد (۱۳۷۸). «جایگاه مصلحت در اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه حضور، ش ۳۰.
۳۳. فضل‌اله، سیدمحمدحسین (۱۳۷۸). «تأملاتی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)». ترجمه مجید مرادی، مجموعه آثار ۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۴. فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۸). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، قم، دفتر نشر معارف.

۳۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، ج ۲ و ۱۰، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۶. قربانزاده، قربانعلی (۱۳۸۱). مباحثی مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره).
۳۷. کتاب‌های مجله حوزه (۱۳۷۸). حکومت اسلامی در کوثر زلال اندیشه امام خمینی (ره)، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۸. مبلغی، احمد (۱۳۷۸). «نقش مشورت و مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی با نگاهی تاریخی و تطبیقی»، مجموعه آثار ۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، ج ۷۵ و ۷۸ بی‌جا، مؤسسه التاریخ العربی.
۴۰. مروی، ابوالفضل (۱۳۸۶). «اصلاحات از دیدگاه امام خمینی (ره)». فصلنامه حضور، ش ۶۳.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). تفسیر نمونه، ج ۲۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. صحیفه امام، جلد‌های ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱. تهران.
۴۳. نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۸۷). «نوآوری و شکوفایی از منظر آموزه‌های دینی»، پاسدار اسلام، ش ۳۱۹.